

لنگه

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
یکشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۵ - ۶ محرم ۱۴۴۸
سال بیست و هشتم - شماره ۷۶۲۸ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

سر مقاله

خطر چالش‌های حقوقی تفاهم‌نامه



محمدصادق ففوری
دکترای حقوق بین‌الملل
دانشگاه تهران

تفاهم‌نامه امضا شده میان رؤسای جمهور ایران و آمریکا، صرف‌نظر از اعتبار قانونی‌اش در حقوق بین‌الملل، ظرایف حقوقی هم دارد که بی‌توجهی به آنها می‌تواند خسارت‌بار باشد. نگه‌نگار به ۱۴ بند این تفاهم‌نامه، دست‌کم سه بزنگاه حقوقی را نمایان می‌کند که حتماً باید در هر مرحله‌ای از مذاکرات آتی مدنظر قرار بگیرد.

پیش از پرداختن به متن این تفاهم، ذکر این نکته حائز اهمیت است که تفاهم امضا شده، اساساً عمری موقت دارد. به بیان دیگر، از آنجایی که در جای‌جای این تفاهم‌نامه، به توافق بعدی از جاع داده شده است، مندرجات تفاهم‌نامه امضا شده تنها تا زمانی دارای اعتبار است که توافق بعدی (نهایی) منعقد گردد. از این رو، اگر چه این تفاهم‌نامه تکالیفی را بر طرفین تحمیل کرده است، این تکالیف پایدار نیستند. از طرف دیگر، اصل تناظر در توافقات بین‌المللی ایجاب می‌کند مفاد همین تفاهم‌نامه کنونی نیز تنها تا جایی معتبر دانسته شود که از سوی دو طرف و به‌طور همزمان رعایت شود. بنابراین، در فرضی که توافق بعدی در کار نباشد، ۱۴ بند تفاهم امضا شده از سوی ایران تنها باید هنگامی اجرایی شود که طرف مقابل نیز دست‌کم همزمان با آغاز اجرای تعهدات طرف ایرانی، تعهدات خود را اجرا کرده باشد. از این مهم که بگذریم، متن تفاهم‌نامه هم بدون چالش‌های حقوقی نیست.

۱. تکلیف‌رفی تحریم‌های غیرقانونی علیه ایران در توافق امضا شده، در حالی که ایهام قرار دارد. بند ۷ توافق مزبور امریکارا مکلف کرده است «طبق یک جدول زمانی که در توافق نهایی تعیین خواهد شد»، به تحریم‌های اعمال شده علیه ایران «پایان» دهد. مشخص نیست، این «پایان» به چه نحوی خواهد بود: رفع یا تعلیق؟ علاوه بر این، تکلیف تحریم‌های غیر امریکایی وضع شده علیه ایران هم نامشخص رها شده است. بند ۱۰ تفاهم‌نامه امضا شده نیز امریکارا مکلف کرده است به محض امضای تفاهم و تا زمان توافق نهایی، تحریم‌های نفتی ایران را اصطلاحاً تعلیق کند. این مهم نیز تا کنون محقق نشده است. مهم‌تر از همه این‌ها اینکه، قوانین داخلی امریکارا اجازه را به رئیس‌جمهور امریکانمی‌دهد که تحریم‌های وضع شده علیه ایران را لغو کند. لغو تحریم‌های امریکایی علیه ایران، حتماً نیاز به مجوز کنگره امریکارا دارد. به این موضوع بسیار مهم در تفاهم امضا شده هیچ اشاره‌ای نشده است. به بیان دیگر، رئیس‌جمهور امریکارا در این رابطه تعهدی را امضا کرده است که اساساً در حوزه اختیارات او نیست. با این اوضاع، به نظر می‌رسد نباید انتظار داشت تحریم‌های امریکایی علیه ایران حتی در توافق نهایی هم لغو شوند.

۲. با تأسف باید نوشت که مسائل هسته‌ای ایران در تفاهم امضا شده، به اراده طرف امریکایی گره خورده است. این موضوع، چیزی علاوه بر تعیین تکلیف مواد غنی‌شده در ایران است. مطابق آنچه در بند ۸ تفاهم‌نامه آمده است، «تمامی مسائل هسته‌ای مورد توافق طرفین، از جمله نیازهای هسته‌ای ایران»، در توافق نهایی تعیین خواهد شد. معنای حقوقی این عبارت چنین است: نیازهای هسته‌ای ایران، موضوعی حتمی در مذاکرات آتی با امریکارا است. در صدر همین بند ۸ تصریح شده است که ایران سلاح هسته‌ای تولید نخواهد کرد و در انتهای این بند علاوه بر این موضوع، امضاکنندگان ایرانی پذیرفته است که نیازهای هسته‌ای ایران نیز با توافق با امریکارا تعیین شود. چنین اطلاقی می‌تواند حتی تحقیقات هسته‌ای و دانشگاهی ایران را هم از بین ببرد، چه رسد به نیازهای هسته‌ای در امور صنعتی و پزشکی. این بی‌فقتی تأسف‌آر، علاوه بر نامشروع تنظیم برنامه هسته‌ای ایران و نیازسنجی‌های بومی را هم به مذاکره و با طرف امریکایی پیوند زده است. مذاکره کنندگان در مذاکرات آتی حتماً باید نسبت به حذف یا دست‌کم رقیق‌سازی این بند از تفاهم، برنامه عملیاتی داشته باشند.

۳. وحدت ساحات در تفاهم‌نامه امضا شده رعایت نشده است. آنچه در سه روز گذشته پس از امضای تفاهم رخ داده است هم نشان داد که رژیم صهیونی رانمی‌توان به هیچ تعهدی پایبند کرد. علاوه بر این، متن تفاهم‌نامه امضا شده به گونه‌ای تنظیم شده است که از حیث حقوقی نمی‌تواند جلودار وحشی‌گری‌های نماینده شرور امریکارا در منطقه، یعنی رژیم صهیونی باشد. مطابق ماده ۳۵ کنوانسیون حقوق معاهدات مصوب ۱۹۶۹، فقط زمانی می‌توان رژیم صهیونی را وادار به پذیرش حاکمیت لبنان و عدم تعرض به لبنانی‌ها کرد که این رژیم «کنایاً و به‌طور صریح» این تعهد را بپذیرد. برپیداست که این تعهد کتبی و صریح هیچ‌گاه از سوی رژیم صهیونی ارائه نشده و نخواهد شد. آنچه در بند اول از تفاهم‌نامه امضا شده میان رؤسای جمهور ایران و امریکارا آمده است، فقط امریکارا مکلف کرده است که با متحندان خود از حمله به لبنان خودداری کنند. تکلیف امریکارا به جلوگیری از حمله رژیم صهیونی به لبنان، بیشتر از آنکه یک الزام حقوقی باشد، یک تعارف سیاسی است که هم امریکارا هم رژیم صهیونی به‌راحتی می‌توانند از اجرای آن شانه خالی کنند. آن هم به استناد حقوق بین‌الملل!

چالش‌های حقوقی دیگری هم در تفاهم‌نامه امضا شده وجود دارد که حتماً باید فکری به حال آنها کرد. مذاکرات آتی از این حیث سرزنش‌ناز است؛ چرا که اگر فقط بنا باشد همین تفاهم امضا شده به‌عنوان معیاری برای پایان جنگ در نظر داشته شود، نمی‌توان ادعا کرد دستاوردهای میدانی، خیابانی، حقوق ملت ایران و دستاوردهای جبهه مقاومت را تأمین کرده است.

«بند اول» تنگه را بند آورد

بند اول یادداشت تفاهم بین رئیس‌جمهوران ایران و امریکا (توقف جنگ در تمامی جبهه‌ها) طبق پیش‌بینی از طرف اسرائیل نقض شد
ایران نیز تنگه‌هرمز را بست تا نشان دهد یا تمامی بندهای تفاهم یا هیچ کدام

■ جهان مقاومت به‌رغم بزرگی و ساحات جدید، بسیار به هم نزدیک است. دنیا کوچک شده است. در تفاهم‌نامه‌ای دو طرفه وقتی یک طرف، بند اول را هم اجرا نکند، نباید انتظار داشته باشد که طرف دیگر بندهای بعدی را به رسمیت بشناسد. ایران اگر همین حالا محکم پای اجرای کامل تفاهم‌نامه نایستد، چیز دیگری هم به دست نمی‌آورد. این بند اول را باید جدی‌تر از همه چیز گرفت. اگر راست می‌گویید که دنبال تفاهم و توافقید، باید جنگ را پایان دهید. با همین منطق قرارگاه خاتم‌دروز تنگه هرمز را کامل بست تا نشان دهد امریکا و اسرائیل بازی دربیان‌ورند، ایران هم بازی خود را خواهد کرد.

دیروز در عین حال هیئت مذاکره‌کننده ایرانی به سوئیس رفت. این منافاتی با بسته شدن تنگه ندارد، چنان‌که وزارت خارجه اعلام کرد «هیئت ایرانی برای پیگیری اجرای تعهدات طرف مقابل به سوئیس رفته است، نه برای شرکت در مذاکرات برای دستیابی به توافق نهایی».

ایران باید به امریکایی‌ها تفهیم کند که این بار باز شدن تنگه به این راحتی‌ها نیست. سخنگوی وزارت خارجه نیز عصر دیروز گفت: «ما تعهد را امضا نکردیم که اجرا نشود. رویکرد ما تعهد در برابر تعهد است. به نظر می‌رسد رویکرد ما باید قدری جدی‌تر از «تعهد در برابر تعهد» باشد، چون تجربه ثابت کرده است تعهدی در طرف مقابل وجود ندارد و این دائماً را از نظر زمانی و خسارات عقب می‌اندازد. و ممکن است روزی برسد که ببینیم در مجموع دشمن با شکستن تعهدات خود به برخی اهدافش رسیده و ما با «صرفاً عکس‌العمل» به اهداف خود نرسیده‌ایم.

یک نکته با اهمیت در این میان آن است که متأسفانه در این گیرودار و شرایطی که شاید در یکصد سال گذشته و بعد از جنگ‌های اول و دوم جهانی برای ایران به این اهمیت نبوده، برخی در داخل «روایت شکست» را می‌سرایند و در تلویزیون و در خیابان‌ها با انتشار چیزهایی که دارند و بدون انتشار چیزهای دیگری می‌دانند و نمی‌گویند، تصویری غم‌بار از وضعیت می‌سازند و تأسف بیشتر آن‌که این دعاوی خود را به پای رهبری می‌نویسند و مدعی هماهنگی نظر رهبری در پیام اخیر خودشان با نظرات اینانی می‌شوند. این چیزی جز تخریب آرامش و ذهن و باورهای مردم به ولایت و نظام و نظامیان و انقلاب نیست. کسانی که شاهد بودند که امام شهید حتی به «نمایندگان جوان» مجلس اجازه «حمله به رئیس‌جمهور» را نمی‌داد، اکنون فضا را علیه دولت سیاه و حتی با جملات یک لات، تهدید جانی می‌کنند.

این همه روایت از ناکامی و شکست در داخل در حالی است که بیشتر روایت‌های تحلیلگران خارجی با نگاه عمیق و دوراندیشانه حکایت از پیروزی بزرگ ایران و شکست کامل امریکارا دارد.



ماجرای جوی رژی صهیونیستی تنگه هرمز را به روی جهان بست

رحیم‌زادعلی | دیروز گروه سیاسی | صفحه ۲

شهید پاکپور معمار تحولات عملیاتی بود



■ فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء در دیدار با خانواده شهید پاکپور، شهید پاکپور واقعاً تمام عمر پر برکت خود را در راه اعتلای نظام و انقلاب صرف کردند، به گونه‌ای که بیشترین مدت مأموریت روزانه را در بین فرماندهان نیروهای مسلح داشتند و تلاش شبانه‌روزی ایشان، بی‌نظیر و شایسته تقدیر بود برای احاد فرماندهان نیروهای مسلح راهگشاست. | صفحه ۵

ترامپ: اگر جنگ با ایران را متوقف نمی‌کردم

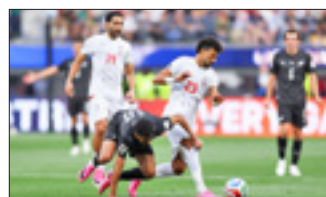
بدون نفت می‌مانیم

■ در حالی که ترامپ در طول جنگ با بارها مدعی بود عملیات نظامی تا زمان تحقق اهداف امریکارا و وادار کردن ایران به پذیرش شروط و اشنیگتن ادامه خواهد یافت، اظهارات اخیر او پس از امضای توافق نشان می‌دهد که ترامپ در نهایت چاره‌ای جز توقف جنگ و بازگشت به مسیر مذاکره نداشته است. ترامپ با اشاره به خطر بسته ماندن

نبرد با نابرابری

● مباحثه | خبرنگار گروه ورزشی

ایران در حالی ساعت ۲۲:۳۰ امشب برابر بلژیک به میدان می‌رود که همانند نخستین دیدار در جام جهانی با کارشکنی و تبعیض‌های آشکار میزبان رویه‌بر شده است. میزبان علاوه بر مسائل فنی و تاکتیکی باید حواس‌شان جمع مسائل روحی و روانی تیم هم باشد تا مبادا تبعیض‌های مشهود امریکارا روی آنها تأثیر منفی بگذارد. | صفحه ۱۳



یادداشت سیاسی

حمیدرضا شاهنظری

مسئولیت تاریخی ملت ایران

«از این لحظه، ما یعنی شما ملت سرافراز و این خادم ناچیز، منتظر تحقق شروط گفته شده خواهیم بود.» این سخن، در واقع اعلام موجودیت یک نظارت فراگیر است؛ نظارتی که در آن، ملت از جایگاه تماشاگر به مرتبه شریک نظارت ارتقا می‌یابد و پشت میز مذاکره، پشتوانه‌ای فراتر از هر اهرم دیپلماتیک را فراهم می‌آورد. | صفحه ۲

یادداشت سیاسی

علی‌حسن حدادی

خوانش راهبردی پیام رهبری درباره تفاهم‌نامه

رهبر انقلاب در واقع تلاش می‌کنند جامعه را از گرفتار شدن در دوگانه‌های فرسایشی دور نگه دارند. پیام نه تأییدکنندگان تفاهم را در برابر منتقدان قرار می‌دهد و نه منتقدان را در برابر موافقان. برعکس، همه را ذیل یک هدف مشترک تعریف می‌کند: حفظ حقوق ملت و تأمین منافع ملی. از این منظر، یکی از مهم‌ترین پیام‌های متن، جلوگیری از قطعی‌سازی داخلی است. پیام می‌پذیرد که ممکن است درباره روش‌ها، تاکتیک‌ها و حتی ارزیابی‌ها اختلاف نظر وجود داشته باشد، اما این اختلاف نظر‌ها نباید به شکاف در جبهه منافع ملی تبدیل شود. | صفحه ۵

گویی حسین!

جنس شمش فرق می‌کند...

کهریز کند، پذیرای تلوار خیرین در ماه محرم

۵۰۵۰-۰۲۰۹-۰۸۷۰-۰۵۰۲۹

حیات می‌کند

تبدیل شود | صفحه ۵